

نظریه استدلال در مطالعات بلاغی، منطقی و زبانشناختی

محمد طروس

ترجمه:

دکتر فاطمه اکبری زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا

سرشناسه: طروس، محمد

عنوان قراردادی: نظریه الحجاجیه من خلال الدراسات البلاغیه و المنطقیه و اللسانیه. فارسی
عنوان و نام پدیدآور: نظریه استدلال در مطالعات بلاغی، منطقی و زبانشناختی / محمد طروس؛ ترجمه فاطمه اکبری زاده؛
ویراستار علمی هاله بادینده.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه الزهراء(س)، انتشارات، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: بیست و یک، ۱۷۲ص: جلد.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۱۴-۷۷-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص ۱۶۳-۱۶۶.

موضوع: زبان عربی--معانی و بیان

Arabic language -- Rhetoric

نقد ادبی--کشورهای عربی

Literary criticism -- Arab countries*

شناسه افزوده: اکبری زاده، فاطمه، ۱۳۵۹-، مترجم

شناسه افزوده: بادینده، هاله، ۱۳۴۹-، ویراستار

رده بندی کنگره: PJA ۲۰۲۸

رده بندی دیویی: ۸۰۸/۰۴۹۲۷

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۳۰۶۱۷

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



نظریه استدلال در مطالعات بلاغی، منطقی و زبانشناختی

ترجمه: دکتر فاطمه اکبری زاده (عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا)

انتشارات: دانشگاه الزهراء(س)

کارگاه صفحه آرایی و طراحی جلد: لوگو گرافیکال

چاپ و صحافی: چاپ دیجیتال نیکو

ویراستار علمی: دکتر هاله بادینده

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: 978-622-6114-77-6

قیمت: ۵۲۰۰۰ تومان

سال نشر: پاییز ۱۴۰۰

شماره تماس واحد فروش: ۰۲۱-۸۸۰۴۸۹۳۴-۰۲۱-۸۵۶۹۲۸۳۹

سامانه فروش الکترونیکی: <http://book.alzahra.ac.ir>

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای دانشگاه الزهراء(س) محفوظ است.

پذیرش چاپ این اثر در جلسه ۱۴۸ شورای انتشارات دانشگاه مورخ ۱۳۹۹/۹/۱۱ به تصویب رسید.

فهرست مطالب

۹.....	مقدمه مترجم.....
۱۱.....	مقدمه نویسنده.....
۱۵.....	پیش درآمد.....
۱۶.....	تعاریف اولیه.....
۱۹.....	تنوع موقعیت‌های ارتباطی.....

مطالعات بلاغی

۲۵.....	۱. بلاغت قدیم.....
۲۵.....	۱-۱. انواع خطابه.....
۲۸.....	۱-۲. ساختار خطابه.....
۳۲.....	۱-۳. روش‌های دلیل‌آوری.....
۳۶.....	۱-۴. انواع دلایل.....
۴۸.....	۱-۵. جمع‌بندی.....
۵۰.....	۲. دیدگاه پرلمان (Chaim Perelman).....
۵۰.....	۲-۱. تعریف مفهوم استدلال.....
۵۲.....	۲-۲. ساخت مفهوم استدلال.....
۵۳.....	۲-۳. استدلال و بدیهه.....
۵۷.....	۲-۴. ضرورت استدلال.....
۵۸.....	۲-۵. چارچوب‌های اجتماعی استدلال.....
۵۹.....	۲-۶. جمع‌بندی.....

مطالعات منطقی

۱. الگوی تولمین (Stephen Toulmin) ۶۵

۱-۱. منطق و ارزیابی عملی ۶۵

۱-۲. منطق عملی و نظریه حقوق ۶۷

۱-۳. دلایل تعلیلی ۶۸

۱-۴. حوزه استدلال ۶۹

۱-۵. گزاره‌های وجهی ۷۰

۱-۶. الگوی استدلال ۷۲

۱-۷. جمع‌بندی ۷۳

۲. الگوی ج. گرایز (Jean Blaise Grize) ۷۴

۲-۱. استدلال؛ کنشی گفتمانی ۷۵

۲-۲. منطق طبیعی ۷۵

۲-۳. هدف، رخدادها و ارزش‌ها ۷۷

۲-۴. منطق استدلال و مفاهیم بلاغی ۷۸

۲-۵. چارچوب نظری ۸۰

۲-۶. منطق و استدلال ۸۱

۲-۷. جمع‌بندی ۸۲

۳. الگوی ج. ویگنو (Georges Vignaux) ۸۳

۳-۱. استدلال / برهان ۸۳

۳-۲. استدلال و دریافت ۸۵

۳-۳. ارائه تعریف عملی ۸۶

۳-۴. منطق استدلال گفتمانی ۸۸

۳-۵. روش تحلیل گفتمان ۸۹

- ۳-۶. گفتمان؛ نظامی منطقی..... ۹۰
- ۳-۷. گفتمان استدلالی..... ۹۱
- ۳-۸. جمع‌بندی..... ۹۲

مطالعات زبان‌شناختی؛ کاربردشناختی تلفیقی

۱. الگوی دوکرو و انسکمبر (O. Ducrot and J. C. Anscombre)..... ۹۷

- ۱-۱. نظریهٔ نردبان‌های استدلالی..... ۹۷
- ۱-۲. کاربردشناسی تلفیقی..... ۹۸
- ۱-۳. توصیف معناشناختی..... ۱۰۰
- ۱-۴. روابط استدلالی در توصیف معناشناختی..... ۱۰۳
- ۱-۵. جمع‌بندی..... ۱۰۶

۲. الگوی جاک موشر (Jacques Moeschler)..... ۱۰۷

- ۱-۲. گفتمان استدلالی..... ۱۰۷
- ۲-۲. ویژگی‌های رابطهٔ استدلالی..... ۱۰۸
- ۲-۳. کنش استدلال..... ۱۰۹
- ۲-۴. عامل و رابط استدلالی..... ۱۱۰
- ۲-۵. کنش رویکرد استدلالی..... ۱۱۲
- ۲-۶. شروط نظریهٔ استدلال..... ۱۱۲
- ۲-۷. جمع‌بندی..... ۱۱۴

مطالعات زبان‌شناختی؛ نظریهٔ کنش‌های زبانی

۱. الگوی ون ایمرن (Frans Van Eemeren)..... ۱۱۸

- ۱-۱. تحلیل جدلی گفتمان..... ۱۱۸
- ۱-۲. مداخلهٔ شرطی استدلال..... ۱۱۹

- ۱-۳. تأویل استدلال غیرمستقیم..... ۱۲۰
- ۱-۴. تحلیل جدلی و تأویل عقلانی..... ۱۲۱
- ۱-۵. استراتژی‌های تحلیل جدلی..... ۱۲۲
- ۱-۶. جمع‌بندی..... ۱۲۳
۲. الگوی س. جاکبس (Scott Jakobs)..... ۱۲۴
- ۲-۱. استدلال گفت‌وگومحور..... ۱۲۴
- ۲-۲. استدلال نظام گفتمانی..... ۱۲۵
- ۲-۳. بایسته‌های فهم و سامان‌دهی گفت‌وگو..... ۱۲۷
- ۲-۴. جمع‌بندی..... ۱۲۸
۳. الگوی س. جاکسون (sally Jackson)..... ۱۲۸
- ۳-۱. کنش‌های زبانی در استدلال..... ۱۲۹
- ۳-۲. شروط تحقق..... ۱۳۰
- ۳-۳. جمع‌بندی..... ۱۳۱
۴. الگوی ا. کونزت (Olga Kunst)..... ۱۳۲
- ۴-۱. استدلال؛ رابطه‌ای دوگانه..... ۱۳۲
- ۴-۲. استدلال عقلانی / استدلال کاربردی..... ۱۳۳
- ۴-۳. استدلال منظوری..... ۱۳۴
- ۴-۴. جمع‌بندی..... ۱۳۵
۵. الگوی ا. بلیر (J. Antony Blair)..... ۱۳۶
- ۵-۱. استدلال جدلی / استدلال فردی..... ۱۳۶
- ۵-۲. پیوند جدل و پرسش‌گری فردی..... ۱۳۷
- ۵-۳. جمع‌بندی..... ۱۴۰

۶. الگوی سوزان کلاین (Susan L Klaine) ۱۴۰
- ۶-۱. موانع و مشکلات ۱۴۱
- ۶-۲. عبور از موانع ۱۴۱
- ۶-۳. نظام تأویلی / نظام تولیدی ۱۴۳
- ۶-۴. جمع‌بندی ۱۴۴
۷. الگوی ون دایک (Van Dijk) ۱۴۴
- ۷-۱. ویژگی استدلالی سرمقاله‌ها ۱۴۵
- ۷-۲. ویژگی‌های عمومی استدلال ۱۴۵
- ۷-۳. استدلال و شناخت ۱۴۶
- ۷-۴. جمع‌بندی ۱۴۸
۸. الگوی زامینر (V.Zamuner) ۱۴۸
- ۸-۱. فرآیند شناختی ۱۴۹
- ۸-۲. نکاتی درباره استراتژی‌ها ۱۵۱
- ۸-۳. جمع‌بندی ۱۵۲
۹. بازسازی گفتمان استدلالی ۱۵۲
- ۹-۱. توجیهات تلفیق ۱۵۳
- ۹-۲. عناصر تشکیل‌دهنده طرح پژوهش ۱۵۴
- ۹-۳. جمع‌بندی ۱۵۵
- خلاصه ۱۵۶
- فهرست منابع ۱۶۲
- جدول اصطلاحات ۱۶۶

مقدمه مترجم

این اثر، ترجمه کتاب «النظرية الحجاجية من خلال الدراسات البلاغية والمنطقية واللسانية» تألیف دکتر محمد طروس است که در پژوهش‌های مرتبط با نظریه استدلال به آن به‌عنوان یکی از منابع اصلی استناد می‌شود. معادل «استدلال» در زبان عربی، اصطلاح «الحجاج»، در زبان انگلیسی واژه "Argumentation" و در زبان فرانسه واژه "l'argumentation" است. پایه و اساس شکل‌گیری نظریه استدلال اصل گفت‌وگومندی در گفتمان است. این نظریه، از منظر کاربردشناختی و بر اساس نوع ارتباط مخاطب و گوینده، به تحلیل پیامی می‌پردازد که با هدف اثربخشی و متقاعدسازی بین مخاطب و گوینده ردوبدل می‌شود. زبان به‌طور طبیعی دارای چارچوب اقناعی است و چینش عناصر گفتمان‌ساز در آن به‌گونه‌ای است که با تأثیر بر مخاطب، او را به سوی پذیرش هدف گفتمانی سوق می‌دهد؛ لذا می‌توان گفت استدلال، کارکرد اساسی و مهمی در ایجاد کنش گفتمانی دارد و با تأثیر بر مخاطب، کنش منظوری اقناعی لازم را ایفا می‌کند.

از نخستین کاربرست نظریه استدلال در خوانش انتقادی متون، مدت زمان مدیدی نمی‌گذرد و افرادی چون تولمین و دوکرو به‌تفصیل در این زمینه سخن گفته‌اند، به‌ویژه منتقدان و پژوهشگران عرب که به زیبایی این نظریه را در خوانش متون ادبی از شعر و نثر گرفته تا خوانش متون دینی چون قرآن و نهج‌البلاغه و... به‌کار بسته و دریافته‌های در خور تأملی ارائه کرده‌اند. با این حال، پژوهشگران ایرانی به‌خوبی این نظریه را نقد و کنکاش نکرده‌اند؛ لذا امید است این ترجمه، باب پژوهش‌های بیشتری را در این زمینه بگشاید.

در معادل‌گزینی اصطلاح «الحجاج»، توجه به تفاوت این اصطلاح با واژه‌های جدل، برهان، احتجاج، خطابه و اقناع، امری ضروری است. برخی پژوهشگران با وام‌گیری از اصطلاحات عربی، معادل «احتجاج» و برخی معادل «برهان» را برای این اصطلاح به‌کار برده‌اند؛ در حالی که این معادل‌ها به‌واقع تنها برای پژوهشگران مسلط به زبان عربی مفاهیم مأنوسی به‌شمار می‌روند. برخی پژوهشگران رشته زبان انگلیسی و رشته‌هایی چون حقوق و... معادل «استدلال» را برای تعبیر از این اصطلاح به‌کار برده‌اند که با معادل انگلیسی و فرانسه یادشده تناسب بیشتری دارد. لازم به ذکر است، نظریه

«الحجاج» با معادل واژگانی «استدلال» (Argumentation) و با مفهوم استدلال به معنای «دلیل‌آوری» (Reasoning) در حوزه منطق و فلسفه، متفاوت است و به‌نوعی ویژگی طبیعی همه زبان‌ها محسوب می‌شود. در ترجمه پیش‌رو، به‌منظور متمایزسازی این دو اصطلاح، از معادل «دلیل‌آوری» برای استدلال فلسفی و منطقی و از لفظ «استدلال» برای استدلال مورد نظر در این کتاب، استفاده شده است. به نظر می‌رسد می‌توان واژه «استدلال» را معادل مأنوس‌تری برای «الحجاج» دانست؛ هرچند که پژوهشگر این حوزه باید به ظرایف تفاوت این نظریه و ویژگی‌های متمایزکننده آن از معنای منطقی دلیل‌آوری آگاه باشد. از این‌رو بنا به ضرورت کاربست یک معادل واحد برای هر اصطلاح بیگانه در باب نظریات، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران با هم‌فکری و اتحاد رویه بر یک مفهوم اتفاق نظر داشته باشند تا تألیفات و پژوهش‌هایی که در این عرصه به ظهور می‌رسد با ایجاد ارتباط با یکدیگر و نیز انتساب به یک حوزه نظری، در جهت تکمیل و نقد یکدیگر پیش روند.

این نظریه در هریک از حوزه‌های مختلف رشته‌های علوم انسانی با تفاوت‌های ظریفی مطرح است و نظریه‌پردازان از زوایای مختلفی به آن پرداخته‌اند. کتاب پیش‌رو با طرح انواع دیدگاه‌های نظریه‌پردازان این حوزه و گشودن پنجره خوانش انتقادی متون علوم انسانی به روی پژوهشگران و علاقه‌مندان، بهترین اثر در زمینه معرفی این نظریه در حوزه‌های مختلف علوم انسانی اعم از بلاغت و منطق و زبان‌شناسی به‌شمار می‌رود و فرصت خوانش، بررسی و کاربست این نظریه از منظر دیدگاه‌های مختلف را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد.

در پایان لازم به ذکر است از آنجا که نویسنده این اثر، مطالب خود را با تقسیمات متعدد و متداخل آورده بود؛ لذا مترجم جهت سهولت فهم، این تقسیمات را به شکل نمودار در ابتدا یا میان فصول آورده است.

امید است ترجمه این کتاب بتواند در راستای ارائه، معرفی و کاربست این نظریه سودمند باشد.

تیرماه ۱۴۰۰ / مترجم

مقدمه نویسنده

این جستار در راستای نظریه گفتمان و به منظور خلق الگویی نظری- تحلیلی در خصوص بررسی انواع گفتمان و پژوهش‌های گفتمانی گام برمی‌دارد و گفتمان را فارغ از تفاوت‌ها و تنوع‌ها و فراتر از چارچوب‌های تعریف‌شده متن، مطالعه می‌کند. این جستار فراتر از مرزهای ساختارهای متنی و فراتر از متن به‌عنوان یک ساختار بسته و خودبسنده پیش می‌رود و متنی را مدنظر دارد که از یک سو در صورت‌بندی و انسجام و پیوستگی، بر ظرفیت و توانش آوایی، صرفی و ترکیبی خود به گفتمانی با ساختاری باز متکی باشد و از سوی دیگر آن گفتمان با بافت‌های برون‌متنی تعامل و ارتباطی پویا و پیوسته داشته باشد.

نخستین پیش‌فرض، نقش اساسی و قطعی گفتمان در نوع الگوهای رفتاری و کلامی ماست؛ به‌طوری‌که ملاحظه می‌کنیم، برخی رفتارهای عموماً تکرارشونده‌ای وجود دارند که همواره خود را بازتولید می‌کنند و با جذب هر رفتار بیگانه و جدید و کسب ویژگی‌هایش، آن رفتار را مانوس و قابل‌پذیرش می‌سازند و در صورت تضاد آن رفتار با ساختارها یا شرایط بافتی یا پیش‌زمینه‌های ارزشی، آن را طرد کرده و نمی‌پذیرند. این وضعیت چه در فرآیند پذیرش و مشروعیت‌بخشی رفتاری جدید و چه در فرآیند طرد و رد آن، به‌وضوح در ظهور یک مُد جدید قابل‌ملاحظه است. به‌عنوان مثال، در موضع‌گیری‌ها و اظهارنظرهای منفی یا مثبت، گاه موضع‌گیری و گفتمان در حد بازخوردی شخصی و مستقیم است که موجب تنفر یا تعجب می‌شود یا اینکه به آزرده‌گی خاطر یا علاقه‌مندی می‌انجامد. گاه گفتمان با ارزش‌ها و عرف (روش‌های پذیرفته‌شده) گروه یا گروه‌هایی در تعارض است و با هدف عقب‌نشینی یا اصلاح آن گفتمان به گونه‌ای همگن با ارزش‌ها و عرف گروه مخالف، موجی از بحث و جدل‌های روزمره یا بیانیه‌های خبری و سیاسی و دینی نهادها را در پی دارد و گاه نیز به‌منظور مشروعیت‌بخشی و تداوم گفتمان مدنظر، در دفاع از آن، گفتمانی تبلیغاتی به راه می‌افتد و بیانیه‌های متعددی در مخالفت یا تأیید آن صادر می‌شود.

بدین ترتیب خود یک رفتار طبیعی یا گفتمانی؛ گفتمان‌ها و موضع‌گیری‌های متفاوت و متناقضی را به‌دنبال دارد که به رفتارها و گفتمان‌های پشتیبان یا مخالف خود، امکان ارتباط و تداوم می‌بخشد و چالش میان نموده‌ها و رفتارها به چالش میان گفتمان‌ها

تبدیل می‌شود. از این‌رو، تلازم ضروری میان رفتار و گفتمان تنها در گفتمانی محقق‌یافته و ادامه می‌یابد که در آن واحد هم رفتار باشد و هم گفتمان؛ چراکه در این صورت، گفتمان بین عمل در راستای تقویت یا طرد یک رفتار طبیعی یا یک گفتمان بیرونی و بین عمل در راستای پشتیبانی و مشروعیت‌بخشی خود پیوند ایجاد می‌کند و به‌اعتبار آنکه گفتمان برتر و شایسته است با دیگران گفتمان‌ها به چالش برمی‌خیزد؛ لذا سازوکار و ابزار و کارآمدی خود را تقویت کرده و بسط می‌دهد و خود را به‌عنوان الگویی گفتمانی با توان زایش و تولید و استمرار صورت‌بندی می‌کند.

اما چگونه گفتمان، این دو کار را انجام می‌دهد؟ منشأ این قدرت و توان چیست؟ آیا این توان گفتمان، برخاسته از اجزا و ساختار درون‌متنی آن است یا برخاسته از موضوعات و موضع‌گیری‌های گفتمان پشتیبان؟ آیا این توان ناشی از نظام‌های ارزشی و اعتقادی است که بر آن استوار است یا ناشی از معیارهای بشری یا گفتمانی مؤثر بر تولید و دریافت آن؟ اگر فرض کنیم که توان و قدرت گفتمان، ناشی از همه این عناصر باشد، این عناصر چگونه با یکدیگر در تعامل و ارتباط خواهند بود تا گفتمانی شایسته و مطلوب محقق شود؟ اگر گفتمان از این منظر مدنظر باشد، به شکل ضروری یا در تقابل با گفتمان‌هایی با موضع مخالف خواهد بود یا هم‌راستا با گفتمان‌هایی با اصول و مبانی مشترک. در این صورت، گفتمان مورد نظر چگونه با گفتمان‌های دسته اول به چالش برمی‌خیزد؟ چطور تمایز خود را با گفتمان‌های دسته دوم حفظ می‌کند؟ و به چه شکلی این گفتمان در آن واحد، از خود و از موضع مورد قبول خود دفاع می‌کند؟

پیش‌فرض ما این است که ویژگی‌های گفتمانی یک گفتمان، تنها حاصل کارکردهای آن است و بافت کاربردی آن، به‌عنوان وظیفه اساسی به دور کارکرد استدلالی می‌چرخد، این کارکرد استدلالی مسئول تولید کنش گفتمانی است؛ پس هیچ گفتمانی بدون کارکرد و هیچ کارکردی بدون استدلال نیست. بر اساس این پیش‌فرض، پرسش محوری پژوهش ما و ترسیم‌کننده مفصل‌بندی آن، این است که چگونه ویژگی استدلالی گفتمان را بررسی کنیم؟ این ویژگی‌ها از چه نوع‌اند؟ کاربست و ویژگی استدلالی گفتمان چگونه است؟ ویژگی استدلالی گفتمان چطور شکل می‌گیرد و چگونه گفتمان را صورت‌بندی می‌کند؟ از چه راهی می‌توان از عموم به خصوص و از مفهوم صرف گفتمان به نمودهای متنوع آن دست یافت تا از مفهوم استدلال و تکنیک‌ها و سازوکار آن به

ابزارهایی عملی- تحلیلی دست یابیم که قادر باشد انواع گفتمان را بررسی و واکاوی کرده و نمودهای استدلال گفتمان را نشان دهد؟ امید است این کتاب بتواند به بخشی از اهداف خود دست یابد.

